

## Collage Technique in Susanna Alivan's Al-Ghazal<sup>\*</sup>

Ali Ghahremani

*Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Azerbaijan Shahid Madani University*

Masoumeh Ghahremanpour

*Ph.D. Student of Arabic Language and Literature, Azerbaijan Shahid Madani University*

### Abstract

In the current era of contemporary Arab poetry, poets deliberately and consciously take advantage of the techniques such as cinema, painting, music, etc., in order to grounding their poetry on the basis of such techniques. One of the most prominent and postmodern Arab poets who put the principles of the new poetry on the table is the contemporary Lebanese poet Susan Alivan whose poetry is as distinct from that of his predecessors or modernist Arab poets such as Siab, Bayati, Nazik al-Mirae Is. The Lebanese poet emphasized the style and content characteristics of nineteen-century poets, most notably the interplay and application of other arts and techniques, especially collage in poetry. The collage, which represents the disorder and chaos of the contemporary world, was invented by Cubism painters, relying on components and sticky elements. Following this approach, the contemporary poet creates a collage-like poetic approach. That said, this descriptive-analytical research sought to analyze the court of Susan Alivan's "Rashiq al-Ghazal". The result showed that Susan Alivan has clearly used this technique in poetry. Moreover, it was revealed that her poems have a distinct and varied image, adhering to the principle of stickiness and inducing concepts such as chaos, disorder, confrontation, rupture, and high power and display capacity

**Keywords:** Collage, Susan Alivan, Rashq Al-Ghazal, Interplay of Poetry and Techniques.

---

\*-Received on: 02/08/2019

Accepted on: 22/10/2019

-Email: [d.ghahramani@yahoo.com](mailto:d.ghahramani@yahoo.com)

-DOI: 10.30479/lm.2019.11330.2844

-© Imam Khomeini International University. All rights reserved.

## بررسی تکنیک کولاژ در شعر سوزان علیوان با تکیه بر دیوان «رشق الغزال»\*

علی قهرمانی، استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان  
معصومه قهرمانپور، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

### چکیده

در شعر عربی معاصر، شاعران عامدانه و آگاهانه از تکنیک‌ها و شگردهای سایر فنون و هنرها؛ همچون سینما، نقاشی، موسیقی و غیره بهره‌می‌گیرند و ساختار شعر خود را عمداً بر مبنای این شگردها پی‌ریزی می‌کنند. یکی از شاعران مشهور و پسامدرن عربی که اصول و قوانین شعر جدید را سر لوحه کار خویش قرار داده، سوزان علیوان، شاعر معاصر لبنانی است که اشعارش بسان تافته‌ای جدا بافته از شاعران نسل قبل خویش یا شاعران مدرنیست عربی؛ همچون سیاب، بیاتی، نازک الملائکه و غیره است. این شاعر زن لبنانی مختصات و ویژگی‌های سبکی و محتوایی شاعران دهه نود میلادی را مورد اعتنا قرار داده که از مهمترین آنها به کارگیری سایر فنون و هنرها بویژه کولاژ در شعر است. کولاژ که نشان دهنده بی‌سامانی و بی‌نظمی جهان معاصر است، توسط نقاشان مکتب کویسم به کار گرفته شد. علیوان نیز با پیروی از این رویکرد و با توجه به اقتضای جریان نوگرایی و پست مدرنیسم به سبک کولاژ روی آورد که پژوهش پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی در صدد بررسی و تحلیل آن در دیوان "رشق الغزال" وی است. نتیجه نشان می‌دهد که علیوان آشکارا از این هنر در شعر استفاده کرده و اشعار او جُنگی از تصاویر مجزا و متفاوت، با رعایت اصل تکه‌چسبانی و سرشار از القای مفاهیمی؛ همچون آشفتگی، بی‌نظمی، تقابل، گسست و دارای قدرت و ظرفیت نمایشی بالایی است.

**کلمات کلیدی:** کولاژ، تداخل شعر و فنون، سوزان علیوان، رشق الغزال.

\* - تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۱۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۷/۳۰

- نشانی پست الکترونیکی (نویسنده مسؤول): [d.ghahramani@yahoo.com](mailto:d.ghahramani@yahoo.com)

- شناسه دیجیتال (DOI): 10.30479/lm.2019.11330.2844

## ۱. مقدمه

کولاژ یا تکه‌چسبانی، علی‌رغم اینکه دارای پیش‌زمینه‌های درازی در زمینه هنر، خطاطی و صنایع دستی و غیره است که در اوایل نیمه دوم قرن بیستم یا بهتر بگوییم بعد از جنگ جهانی دوم، با شیوع مکتب کوبیسم به نحو شتابزده‌ای در هنر به کار گرفته شد و نقاشی را به طور مستقیم تحت تأثیر خود قرار داد و سپس با مکتب فورتوریسم و دادائیسم به گونه جدی ادامه یافت و در جریان‌های ادبی بعدی؛ مانند مدرنیسم و پسامدرنیسم ماهیت خود را با تغییر برخی دلالت‌ها و ساختارها حفظ و دنبال نمود. باید در نظر داشت که مکاتب و جریان‌های فکری همواره در هنر و ادبیات به طور همگام تأثیر گذاشته‌اند. مکاتبی که مختص ادبیات بوده در هنر اثر گذاشته و جریان‌هایی که در دل هنر به وجود آمده‌اند، ادبیات را تحت پوشش خود قرار داده‌اند. کوبیسم یا مکتب کولاژ نیز پس از آنکه به طور اختصاصی در نقاشی و در هنر کولاژ به وجود آمد، به سایر حوزه‌های هنر و ادبیات از جمله شعر و رمان سرایت کرد و شعر را با توجه به نزدیکی و همانندی آن از نظر فرم، موضوع و طرح با نقاشی و هنرهای ترسیمی، به طور ویژه‌ای تحت تأثیر قرار داد و در عرصه ادبیات جهان، شاعران به طور صریح و غیر صریح به سرودن اشعاری با استفاده از شگرد کولاژ پرداختند و محورها، مفاهیم و تکنیک‌هایی که هنرمند با کولاژ به منصف ظهور می‌رسانند را در شعر به کار گرفتند با این تفاوت که در شعر، شاعر با زبان، تکنیک‌های کولاژ را به کار می‌گیرد.

ادبیات عربی، با اثرپذیری از ادبیات جهان و مکاتب نوین، خیلی زود این فن را به کار بست و شاعران دوره‌های متأخر، کولاژ را با تمامی مختصات آن سرودند. خصوصاً جریان‌های ادبی در شعر معاصر عربی، بویژه اشعاری که با شاعران مکتب‌های نو ادبی؛ همچون شاعران پسامدرن و شاعران دهه نود میلادی به بعد روی کار آمد؛ بهره‌گیری از ویژگی‌های علوم و فنون سمعی و بصری حوزه وسیعی از پژوهش‌ها و فعالیت‌های ادبی را به خود اختصاص داد. از این رو، کولاژ با توجه به رویکرد حجم‌گرایی و ایجاز که در شعر و داستان به وجود آمد و نمود آن را در ایجاد و گسترش داستانک در ادبیات داستانی و اشعار هایکویی می‌بینیم؛ خیلی زود توانست، جایگاهی درخور در شعر زمان ما بیابد. ضرورت اجرای این تحقیق از آن روست که هم‌پوشانی و تداخل میان انواع هنری و ادبی را به عنوان یکی از شاخصه‌ها و رویکردهای رایج و مهم ادبیات متأخر عربی مورد مذاقه قرار می‌دهد و در این میان به طور ویژه به بحث و بررسی شگرد کولاژ و مختصات آن در دفتر شعری رشق الغزال سوزان علیوان، شاعر پسامدرن و توانای لبنانی، می‌پردازد. تا پاسخی برای دو پرسش زیر بیابد:

شگرد کولاژ در چه سطحی و با چه مختصاتی در شعر سوزان علیوان به کار رفته است؟

اشعار کولاژ علیوان در پی القای چه مفاهیم و کارکردهایی به مخاطب است؟

## ۱-۱. پیشینه پژوهش

در خصوص تکنیک کولاژ در شعر معاصر عربی و به طور کلی تأثیر مکتب کوبیسم و شاخصه‌های آن در شعر، علی‌رغم بازتاب و انعکاس زیاد و دامنه تأثیر وسیعی که داشته، پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. از جمله این پژوهش‌ها مقاله «شعر حجم و کوبیسم، بازخوانی مبانی شعر حجم بر اساس زیباشناسی کوبیسم»؛ (۱۳۸۸) به قلم سیدحسین فاطمی و داود عمارتی مقدم؛ منتشر شده در فصلنامه نقد ادبی دانشگاه تربیت مدرس. از نظر نویسندگان این مقاله اصول و مبانی شعر حجم عبارتند از: ذات شیء و بازنمایی واقعیت، تصویر سه‌بعدی و خلق حرکت تصویری، برجسته‌سازی فرایند آفرینش اثر از طریق توجه به مادیت رسانه هنری. این پژوهشگران، نمونه‌هایی از شعر کوبیسم یدالله رؤیایی را انتخاب و بررسی کرده‌اند. یا مقاله (۱۳۶۷)، کولاژ و مکتب‌های نوین؛ از مهدی حسنی؛ که در فصلنامه هنر چاپ شده است. نویسنده در این مقاله، به بررسی جایگاه این هنر در مکاتب ادبی مختلف امپرسیونیسم، کوبیسم و غیره پرداخته است. مقاله «أسلوب الكولاج/الملصق في شعر سعدي يوسف ديوان صلاة الوثني نموذجاً» (بی‌تا) از نائر عبدالمجید العذاری، چاپ شده در دانشگاه واسط دانشکده «تربیت». نویسنده در مقاله مذکور به تحلیل، نقد و بررسی نمونه‌هایی از اشعار کولاژگونه «سعدي يوسف» پرداخته و کاربرد این تکنیک در شعر وی را تحلیل کرده است. همچنین نوشته‌های متنوع و فراوانی در وب سایت‌ها، همایش‌ها و نشست‌های تخصصی در خصوص این موضوع مطرح شده است، بویژه درباره سمیع قاسم که به طور آشکار نام اشعار خود را هم کلاژ ۱، کلاژ ۲ و غیره نامگذاری می‌کند. در مجموع، علی‌رغم مطالب زیادی که در حوزه نظری درباره کولاژ نوشته شده است، در حوزه پژوهش‌های علمی، به این موضوع کمتر پرداخته شده و جای کار بسیار دارد؛ خصوصاً در شعر شاعران نسل دهه نود قرن بیستم میلادی؛ همچون سوزان علیوان، فاطمه ناعوت، احمد مطر و سایر شاعران این عصر. از این رو این پژوهش در نقد و بررسی شگرد کولاژ در شعر علیوان، موردکاوی دفتر «رشق الغزال» پژوهشی نو قلمداد می‌شود که تاکنون کسی بدان نپرداخته است.

## ۲. تعریف کولاژ

کلاژ یا کولاژ، فن، تکنیک یا شگردی است در نقاشی به طور اخص و در هنرهای ترسیمی به طور کلی که در آن هنرمند با استفاده از مصالح مختلفی؛ همچون تکه‌های کاغذ، روزنامه، مقوا، عکس و ... به ترسیم تصویر ابداعی و خلاقانه می‌پردازد. این تکنیک علی‌رغم پیش‌زمینه‌هایی که دارد به طور ویژه در دوره معاصر ابداع و تولید شده است. «واژه کولاژ از فعل فرانسوی *coller* به معنی چسب یا چسباندن مشتق شده است. عبارت *papiers cojjes* به معنی چسباندن کاغذ یا قطعه‌چسبانی نیز از همین خانواده است.» (حسینی، ۱۳۶۷: ۱۵۴) این پدیده و عملکرد در آثار نقاشان کوبیسم به کار گرفته شد که تکه‌های روزنامه‌ها یا مواد دیگری را در نقاشی‌هایشان به کار می‌گرفتند و در بالای آن روکشی قرار می‌دادند. به

عبارت دیگر، کولاژ به کارگیری ناآگاهانه تکه‌های روزنامه است که برای اولین بار در نقاشی‌های پیکاسو و جورج بلاک به کار گرفته شد. این نخستین اقدام برای پردازش آزادانهٔ مواد خام به گونهٔ مدرن بود که بعد از انقلاب فکری آغاز قرن بیستم، شاعران در چارچوب اعتراض به سنت و روش‌های سنتی به کار گرفتند.

همانطور که فرایند چسباندن تکه‌های کاغذ و خلق تابلوی نقاشی با استفاده از این ابزارها، بر رغبت و میل هنرمند در اجتناب از رویکرد و نگاه سنتی و تک‌بعدی - که از اولین اهداف کویست‌هاست - دلالت دارد و پیکاسو و جورج براک و قبل از آنها بل سیزان از آن استفاده کرده بودند. (جبالی، ۱۹۸۸: ۱۰۱) این شیوه را علاوه بر کویست‌ها، دادائیست‌ها و سورئالیست‌ها هم به کار گرفتند. (الحسینی، ۱۹۷۴: ۲) و بعد از آنها نیز جریان‌های ادبی جدید و متأخر نیز همچنان از آن استفاده می‌کنند.

کولاژ، نوعی گردآوری مجموعه‌ای از مواد است و گاهی بدان لفظ تجمیع هم اطلاق می‌شود. «تجمیع» یعنی فرایند جمع‌آوری تکه‌های پارچه‌های ضخیم. این تکنیک در عربی "رتق" و "رشق" هم نامیده می‌شود؛ یعنی روشی که در آن تکه‌های پارچه با اشکال مختلف آن، چه هندسی و چه غیر منظم در کنار هم قرار می‌گیرد. « (رید، ۱۹۷۴: ۱۱۲) این اندیشهٔ نو در فرهنگ معاصر بازتاب پیدا کرده، که در آن هنرمند مطابق با نگاه فرهنگی و روش ادراک و تفکر، سبک ابداعی خود را تغییر می‌دهد و با توجه به آنچه شرایط جدید، موسوم به مدرنیسم اقتضا می‌کند، طرحی نو می‌افکند. (همان، ۵۹: )

کولاژ، سبکی است که، با توجه به استفاده از مواد خام متنوع؛ همچون چوب‌ها، ابزارها، تکه‌های کاغذ، مجله و باقی ماندهٔ پارچه‌ها و دیگر مواد و ابزارهای تجسمی و هنری، علاوه بر نقاشی به سایر حوزه‌ها نیز سرایت کرده و به‌کارگرفته شده است. با این توضیح، می‌توان بیش از یک ماده را در سطح نگاره با تابلو ترسیمی مورد نظر توزیع و منتشر نمود؛ سپس تصویر را با اندازه‌ها و نقاشی‌ها و یا اشکالی از دیگر مواد؛ مانند رنگ‌ها و جوهرها تکمیل کرد. (عبدالعزیز، ۱۹۷۳: ۶۰) حال باید توجه کرد که خلاقیت و نکتهٔ مهم در فن کولاژ به‌کارگیری این مواد خام اعم از چوب، ریشه، گیاهان و کاغذها و غیره نیست؛ نکته در خیال نوآوارانه‌ای است که می‌توان به واسطهٔ ارتباط میان این مواد خام بدان دست یافت و به ساختن هنری متفاوت از این مواد و هم‌پوشانی آنها به روشی جدید و مبتکرانه عمل نمود. (بسیونی، ۱۹۶۹: ۱۱۸) شعر نیز مانند کولاژ قبل از اینکه فنی قابل فهم باشد، شگردی قابل تجسم است؛ زیرا شاعر ساختارهای آوایی خود را بر گوش‌های ما می‌نوازد، و ما را با موسیقی شعر می‌لرزاند؛ و این تأثیرپذیری آوایی قبل از درک مفهوم شعر است. بدین خاطر است که شاعر شگردهای خاص خود را برای تعامل با زبان به عنوان ماده‌ای برای تشکیل و یا ابزاری برای ارتباط معرفتی و شناختی به کار می‌گیرد، زیرا زبان شعر پیش از آنکه ابزاری برای ارتباط باشد، خود مستقلاً هدفی خاص است. (العذاری، ۲۰۱۳: ۵۸)

### ۳. زندگی شاعر نقاش

در سال ۱۹۷۴ میلادی سوزان علیوان از پدری لبنانی و مادری عراقی در بیروت به دنیا آمد. او دوران کودکی خود را به دلیل شرایط جنگی که در وطنش بود در اندلس و پاریس و قاهره را زندگی کرد. سوزان علیوان علاوه بر شعر، نقاشی ماهر است. او اعتقاد دارد که شعر مثنوی که می‌سراید با رویکرد آزادی‌گرایانه وی همخوانی دارد. او در اشیاء و امور پیرامون غور می‌کند تا اینکه اضطراب و ایده‌های خاص خود را در آن ایجاد نماید. (خلیج، ۲۰۱۲: *alkhaleej.ae*) اشعار سوزان علیوان، سرشار از عشق و محبت و انسانیت است. او از سبک شعری جدید و تکنیک‌های شعری ممتازی بهره گرفته است. شعر وی شفاف با عاطفه‌ای صادق، همراه با نبض متواتر انسانی است که عشق به زندگی و امید را در ما زنده می‌کند. (لحرش، ۲۰۰۶: *alnoor.se*) او تاکنون بیش از ده دفتر شعری منتشر کرده است و به نسبت می‌توان او را شاعری پرکار قلمداد کرد. اولین دفتر شعری وی «عصفور المقهی» است که در سال ۱۹۹۴ منتشر شده است. دفتر «ما یفوق الوصف» در سال ۲۰۱۰ منتشر شد و تنها دفتر شعری ترجمه شده وی به زبان فارسی است. دفتر مذکور را انتشارات ثالث با عنوان «وصف ناپذیر» با ترجمه‌ی ماجد شریف کنعانی منتشر کرده است.

### ۴. فرایند ساخت کولاژ در شعر علیوان

در تعریف کولاژ گفته شد که این هنر از هنرهای تجسمی است و به واسطه‌ی تکه‌چسبانی انجام می‌گیرد. تکه‌های عکس، روزنامه، اشیاء و هر چیز دیگری که سبب ایجاد یک تصویر آشفته؛ اما رمزآلود، پرمعنا و نشانه‌دار می‌شود. تصویر عینی از واقعیت؛ اما مبهم و پرسش‌برانگیز که از واقعیت مألوف و آشنا به ذهن فاصله می‌گیرد. در شعر کولاژ، آنچه هست تصویری متفاوت از واقعیت است که شناخت ابعاد آن به تأمل و تعمق نیاز دارد. این شعر مجموعه‌ای از تقابل‌ها و تضادها، آشفتگی‌ها و تقدیم و تأخیرها، گسست‌ها و جابه‌جایی‌ها است. مؤلفه‌های شعر کولاژ به گونه‌ای با مؤلفه‌های مکتب کوبیسم همخوانی دارد. زیرا مکتب کوبیسم که در نقاشی با کولاژ به وجود آمد با همان ویژگی، وارد ادبیات شد. در این نوع از شعر و ادبیات «مسائلی؛ همچون روی‌گردانی از واقعیت روزمره و خلق واقعیتی حادث‌تر و ناب‌تر و در ماورای آن، کوشش برای ارائه‌ی تصویری از تمامیت شیء از طریق برجسته‌سازی شیوه‌های ادراک، ترسیم شیء از جنبه‌های متفاوت، حذف تمهیدات بلاغی؛ از قبیل تشبیه و استعاره، بسامد پایین اسامی خاص و صفات، حذف روایت و زاویه‌ی دید واحد، توجه به مادیت زبان و برجسته‌سازی فرایند نگارش از طریق تکرارها، آشنایی‌زدایی‌ها و... همگی یادآور تلاش‌های شاعران کوبیست در اوایل سده بیستم و سال‌های بین دو جنگ جهانی برای منتقل کردن تمهیدات نقاشی‌های کوبیسم به حوزه‌ی هنرهای زبانی است.» (فاطمی، ۱۳۸۸: ۴۴) و همچنین مسائل و مؤلفه‌های دیگر که نشان از بی‌نظمی و آشفتگی جهان

و ترسیم آن با زبان تصویری شعر و یا رنگ و قلم در نقاشی است. در ادامه مهمترین و کلی‌ترین مفاهیم شعر کوبیستی-کولاژی در شعر سوزان علیوان بررسی می‌شود.

#### ۴-۱. ترسیم بصری آشفستگی

یکی از مؤلفه‌های شعر کولاژ، ترسیم واقعیت با ابعاد مرسوم و مشخص نیست؛ بلکه این شعر به سمت آشفستگی، بی‌نظمی و عدم انجسام حرکت می‌کند. نمونه‌های فراوانی در اشعار سوزان علیوان با این مؤلفه و مفهومی که در خصوص کولاژ در هنرهای تجسمی ارائه می‌گردد، همخوانی دارد. سوزان علیوان در اشعارش به فکر ساخت واحدی منسجم و هماهنگ نیست. سازه‌های کلام وی همدیگر را هم‌پوشانی نمی‌کنند و در تقابل و تضاد با هم قرار دارند، وی با افزایش توانش بصری و ظرفیت نمایشی این سازه‌های کلامی، در ایجاد موقعیت‌های کولاژگونه تلاش فراوانی نموده است. برای مثال، نمونه زیر، قطعه‌ای کولاژگونه از شعر شاعر است که در آن، ویژگی‌های اصلی هنر کولاژ که همان تکه‌چسبانی است، رعایت شده است؛ با این تفاوت که یکی از زبان بهره می‌گیرد و دیگری از تصویر:

«کزهرة غاردینیا

تضیئتی بثر

حیاتی حبر علی سحابة

خطوتی خلفی

أنا أخطائی

اللیل قطعة من القلق صافیة

ولکل طائر شکل صلیب» (علیوان، ۲۰۱۱: ۵)

ترجمه: «مانند شکوفه گاردینا، چاه مرا نورانی می‌کند، زندگی من چون جوهری در روی ابری است، قدم‌هایم در پشت سرم، من اشتباهی‌ام، شب چون قطعه‌ای زلال و روشن از اضطراب است، و هر پرنده شکلی بسان صلیب.»

ایماژهای کاملاً پراکنده، صحنه‌های آشفته و پارادوکسی و غیر منسجم در صحنه‌ای که شاعر به تصویر کشیده مشاهده می‌شود و به اصطلاح موج می‌زند. شاعر بیشتر به جای اینکه به خلق یک تصویر منسجم و واحد مبادرت نماید و یا به نوعی یک پلان و لمحهای واحد از هستی را ترسیم کند، مانند کاری که شعر محض و عکاس با هنر عکاسی انجام می‌دهد، مجموعه‌ای از تصاویر و پلان‌ها و لمحهای متعدد و رنگارنگ را به تصویر کشیده است. نویسنده لحظه‌های متفاوت و متناقضی از ماجراهای هستی و رویدادهای در حال وقوع زندگی و جهان را به تصویر کشیده که این لمحهای گذرا و تصویرهای متناقض و پارادوکس به گونه‌ای است که مقطع شعری شاعر را به کولاژی هنری، مانند ساخته است. تضاد و دوگانگی و در وجهی دیگر، شمول و همه‌جانبه نگری در صحنه مورد نظر به

قدری است که قعر چاه تا تارک آسمان و فراز ابر را در بر گرفته است. هم آنچه در زمین است و در قعر آن می‌روید (گل و شکوفه: زهره غاردینا) و هم آنچه در آسمان‌ها وجود دارد (ابر: سحابه، پرند) در شعر شاعر تکه‌چسبان و ترسیم‌گر از قلم نیفتاده است. این صحنه چند تصویر جزئی دارد که کلیه آنها از ظرفیت نمایشی قابل ملاحظه‌ای برخوردار هستند. جوهر و لکه‌ای که در ابر است و به زندگی شاعر تشبیه شده است. قدم‌هایی که در پشت سر به جا گذاشته می‌شود؛ مانند سیر در برف و بیابان، پرندهای که به شکل صلیب در آسمان به پرواز درآمده، همه و همه بسان عناصر تشکیل دهنده کولاژ، جنبه بصری فوق‌العاده‌ای دارند. همچنین کلمه نشاندار قطعه در توصیف وضعیت شب در مقطع مورد نظر، آشکارا و عامدانه نشان از فن کولاژی شعر دارد و از دیگر ویژگی‌های ماهوی کولاژگونه این شعر است که در آن شاعر از «قطعه» یا بهتر بگوییم از «تکه» بهره گرفته است. خلاصه، مهمترین وجهی که این صحنه دارد، تکه‌چسبانی با استفاده از تصاویر پارادوکسی و متفاوت است که این شعر از آن برخوردار است.

این مؤلفه در شعر کولاژگونه علیوان به خلق تصاویر کاریکاتوری منجر می‌شود که هم جنبه بصری و ترسیمی و هم جنبه آشفته‌گی و بی‌انسجامی را دربردارد. از این رو شاعر را می‌بینیم که مدام با استفاده از فن کولاژ، در ساختن تصویرهای انیمیشنی و کاریکاتورگونه بهره می‌برد و از آن برای گریز از دنیای سکون و عادی به دنیایی فراتر از هنجار حرکت می‌کنند. چراکه فقدان اصول و ضابطه مشخص در چنین ترسیم‌هایی از ویژگی‌های کولاژ است و از دیگر ویژگی‌های بارز آن استفاده از آبرنگ است که در صحنه‌های شعری شاعر مشاهده می‌گردد:

«ألوان مائیه علی غابة

بأهداب مسدلة

بلاأنوف

بأفواه من الكرز زاهدة» (علیوان، ۲۰۱۱: ۷).

ترجمه: «آبرنگی بر جنگل، با مژه‌های آویزان، بدون دماغ‌ها، با دهان‌هایی از گیلان بی‌بهره.»

در این صحنه که به عنوان پیش‌درآمد قصیده «هذه وجوهی» است، تصویرسازی کولاژگونه آغاز شده است. ترجمه عنوان شعر-کولاژ شاعر «اینها چهره‌های من است» خود عنوانی بصری است. مسلماً جمع بستن چهره، نشان دهنده بازتاب‌های مختلف از یک چهره و تعدد و تنوع نگاه‌ها است. چیزی که در هنر کولاژ هم به خاطر عنصر تعدد و تنوع مورد بحث است. شاعر سعی دارد ذهن خواننده را قبل از ورود به دنیای قصیده به چندگونگی عادت دهد. «تنوع و تصویر سه‌بعدی و عمق و ارتفاع داشتن، به تجسم چندبعدی، می‌انجامد.» (رویایی، ۱۳۵۷: ۳۵۳) تصور چندگونه، چند چهره، چند دماغ و چند چشم که به طور آشفته در کنار هم قرار دارند، این مفهوم نظری شعر حجم و کولاژ را تأیید می‌کند. شاعر، زمینه کولاژ را به صورت آبرنگ نشان داده است. آبرنگی که در جنگل کشیده شده است. مژه‌هایی آویزان از یک سو، سری که دماغ ندارد، دهان‌هایی که به خورجین خالی و تهی خیره مانده



است. همچنین تکه جای خالی که در متن ایوان جایی برای آن تعبیه شده است، همه و همه به مثابهٔ تکه‌های یک تصویر کولاژگونه است که شاعر در صدد چیدن آنها کنار هم است. تمامی عناصر یک کولاژ، در این مقطع شعری مشاهده می‌شود؛ اما اصل آشفستگی و عدم انسجام، ظرفیت نمایشی و توانش بصری و خلاقیت و نوآوری شاعر در ابداع تصویر غیر معهود و جدید بیش از همه جلب توجه می‌کند. شاعر، کاملاً هنرمندانه، ابتدا یک سطح صاف و مشخصی را تعیین و سپس تکه‌های مورد نظر خود را در زمینه و سطح آبرنگی تعبیه کرده است. همسانی میان عناصر کولاژ دیده می‌شود؛ مثلاً عناصر انتخاب شده از اعضای چهره هستند؛ اما هماهنگی میان آنها وجود ندارد و به شکل یک نقاشی آماتور و تفننی نشان داده شده است. آشفستگی و ساده‌نگاری که نشان از نقاشی کودکانه و خلق تعمدی این تصاویر توسط شاعر ندارد. نقاشی کولاژ سادگی و در عین حال آشفستگی را سرفصل فعالیت و اهداف خود قرار می‌دهد. زیرا در سادگی و کودکانه‌نگاری، نظم و سامانی وجود ندارد و با زبان شعر و ظرفیت‌های آن قابل توجیه است.

#### ۴-۲. تقابل‌ها و پارادوکس‌ها

از دیگر عناصر نقاشی کولاژ می‌توان به تقابل‌گرایی و پارادوکس‌محوری و تنوع و چندگانگی اشاره نمود. (سالم، ۱۹۸۴: ۱۲۴) که در بخش قبل تا حدودی بدان اشاره شد. عناصر کولاژ، قابل تفکیک و جدایی پذیرند. در این هنر عناصر ضد و نقیض کنار هم قرار می‌گیرد. مثلاً در آشفستگی، هم تضاد مطرح است و هم گسست و هم قوهٔ بصری؛ اما برای ارائهٔ تحلیل کارآمد و بررسی علمی، ناگزیر این مؤلفه‌ها دسته‌بندی و تفکیک شده است که از مهمترین آنها می‌توان به تضاد محوری اشاره کرد. تصاویر و تکه‌هایی که علیوان در شعر خود می‌چیند، مطابق با اصل هنر کولاژ، به هم ریخته و بی‌نظم است و سامان مشخصی ندارد و از رویکرد پسامدرنیستی نویسنده حکایت می‌کند؛ این تصاویر در عین جذابیت و بهره‌مندی از جنبهٔ دیداری بالا، تصاویری کاملاً پارادوکسی و متناقض هستند. شاعر در کنار اهتمام به دیگر ویژگی‌ها و شاخصه‌های کولاژ، در پی القای این جنبه از کولاژ؛ یعنی نشان دادن تصویر متناقض است. مانند نمونهٔ زیر که در آن از عناصر گوناگون سخن می‌گوید؛ عناصری که هرچند تصویر مشخصی را ترسیم می‌نماید، اجزای سازندهٔ آن گاه باورپذیر و متحد نیستند:

«حطب مدفأة

مقعد في مقهى على بحر

سریر وسط غرفة

واسع و وحید. « (علیوان، ۲۰۱۱: ۸)

ترجمه: هیثم بخاری / سکویی در قهوه‌خانه‌ای روی دریا/ تختی بزرگ و یکه و تنها در وسط یک اتاق»

در تصویر مورد نظر تضاد و تقابل موج می‌زند. عناصر نگاره درهم‌تنیده و منسجم نیستند. شاعر از سه تکه چسبان استفاده کرده و آنها را در کنار هم نهاده و با روی هم نهادن این سه عضو غیر متصل به هم، تصویری کولاژی پدید آورده است که تکه‌چسبانی شاخصه اصلی این تصویر است. ساختار تصویر مورد بحث، با نشان دادن هیزم بخاری، سکویی در قهوه‌خانه در وسط دریا، با معرفت به این موضوع که میان عنصر آب و آتش تضاد برقرار است؛ (یعنی میان بخاری و قهوه‌خانه با دریا و آب)، فرو می‌ریزد و به نابسامانی کشیده می‌شود. در پایان نیز تصویری که پیدا کردن ارتباط میان آن، با دو تصویر دیگر آسان نیست و یا اصولاً ارتباطی میان آنها وجود ندارد. در تصویر پاپانی، جنبه سه‌بعدی و پهنای دید روایت مشاهده می‌شود که آن هم از عناصر کولاژ است. شاعر، تختی که در وسط اتاق قرار دارد به گستردگی و پهناوری و منفردی توصیف نموده است که به توصیف تمامیت شیء موصوف و ارائه کلی آن انجامیده است. به این شکل، شاعر عناصر و اجزایی که منفک و قابل اتحاد نیستند را در کنار هم قرار داده و این امر در یک نقاشی کولاژ امری عادی است.

همانطور که بیان شد، تضاد و تقابل در کولاژ به ترسیم همه عناصر ضد و نقیض سوژه مورد نظر انجامیده و به توصیف تمامیت شیء و ایجاد تصویری سه‌بعدی منجر گردیده است. این سه‌بعدی‌نگری و خلق حرکت برای وصف تمامی جنبه‌های آن، چه عناصر متحد و چه متضاد در تصویر ذیل به سادگی قابل مشاهده است:

«أجنحة لاتحصى

كبحيرة بجمع

أحبك وأحوي أسراباً

من شمس و صفافة

أغزل قفطاني

قصيدتك ذات الأكمام الوارقة

على مدار صفافي

أحلم أنني

أروي الحكايا والغزلان. « (همان: ۳۹)

ترجمه: بال‌هایی بی‌شمار، مانند برکه پلیکان، تو را دوست دارم و همچنین گله‌ها را، از خورشیدی و بیدی، خفتان را ریشه می‌کنم، قصبه تو با شکوفه‌های آویزان، بر مدار سایه‌ام، در رؤیاهای خود حکایت‌ها و آهوان را روایت می‌کنم.

جابه‌جایی‌ها و تغییر صورت‌های ناگهانی از یک پرسوناژ به پرسوناژ دیگر، عدم زوایه واحد و ثابت در عکس‌برداری و صحنه‌سازی‌های مختلف، توصیف یک زوایه از چند منظر مختلف و أحياناً متضاد، توصیف تمامی اجزای اطراف با جزئیات و تفصیل از ویژگی‌های تصویر کولاژی فوق است. حرکت

دوربین یا قلم از سمتی به سمتی می‌رود تا همهٔ اشیاء را بارگذاری کند؛ صرف نظر از اینکه ممکن است این اشیاء در تضاد با هم باشد. تصویر در حال حرکت است و در گرو همین حرکت است که تمامی اشیاء، حتی اشیائی را که در تقابل هم قرار دارند به تصویر می‌کشد. به نوعی قلم از مرکزیت انگاری و تمرکز بر یک واحد و حذف بقیه واحدها خودداری میکند و از این عادت کهنه گریزان است. در حقیقت شاعر به کالبدشکافی واقعیت پرداخته است. اینکه می‌خواهد تحلیلی همه جانبه و چندمنظوره از واقعیت ارائه دهد نه تحلیلی واحد و صوری یابه جای اینکه به عمق برود در سطح باقی می‌ماند. در حقیقت بنابر نظریه‌پردازان کوبیسم شاعر به گونه‌ای به ترسیم فضا یا بهتر بگوییم نمایش فضا پرداخته است. کوپر در این خصوص بیان می‌دارد: «غرض آنها این بود که تراش‌های مختلف یک فرم هم زمان به صورت عناصری دیده شوند و موجودیت یابند که روی یک سطح هموار قرار گرفته‌اند، سطحی که نمی‌خواهد هیچ توهمی از فضا ارائه نماید. با وجود این نوعی نمایش فضا در آن هست. (کوپر، ۱۳۶۶: ۴۶) بنابراین علیوان نمایش فضا را در نظر دارد و کاری به حکاکی و پردازش صحنه‌ها ندارد و سوژه‌ها را بیشتر به گونهٔ خام و اولیه نشان می‌دهد، کار رنگ دهی و ترسیم ذهنی تکامل یافته به عهدهٔ مخاطب است. شاعر با این شگرد خواننده را به وسط تصویر می‌کشد تا وی نیز در امر فرایند تکمیل و تطور سوژه نقش داشته باشد. این تصویر به همان میزان که از مرکزیت‌نگاری به دور است و چندین ناحیه را به تصویر می‌کشد، از فاصله‌گذاری متنی هم برخوردار است؛ چنانکه از ظرفیت نمایش و بعد تصویر هم برخوردار می‌باشد. در مجموع شاعر با نشان دادن جنبه‌های متفاوت و نداشتن زوایای دید ثابت، تصویر حرکتی و جامع و سه‌بعدی و در عین حال غیر منسجم و چندپاره و پارادوکسی از سوژه مورد نظر ارائه داده است که کاملاً با معیارهای یک تصویر کولازی منطبق است. بنابراین با توجه به تحلیل نمونه‌های مربوط به پارادوکس‌ها می‌توان دریافت که کولاز در به تصویر کشیدن مفاهیم رمزآلود، نمادین، استعاری و پیچیده نقش مهمی ایفا می‌کند. این هنر که از جدیدترین هنرهای ترسیمی است، برای بیان مفاهیم مدرن به کار می‌رود. مفاهیمی که پیچیده و متضاد و در عین حال تداعی‌گر جدیدترین مسائل انسانی. به طور کلی کولاز به جای بازنمایی واقع‌گرایانه و صریح اجزای هستی به بازنمایی نمادین و استعاری و پیچیده و متضاد آن می‌پردازد؛ رویکردی که کولازهای شعری سوزان علیوان به سادگی از آن برخوردار است. ترسیم‌های نمادین و متضاد از هستی که هر خواننده‌ای را به تعمق و تأمل وامی‌دارد.

#### ۴-۳. تغییرات و گسست روایت

تقدیم و تأخیر در جایگزین نمودن عناصر سوژه و گسست زمانی و روایی از دیگر شاخصه‌های یک تصویر کولازی است. همانطوری که یک شاعر کلاسیک با استفاده از تقدیم و تأخیرهای نحوی و

دستوری فرایند آشنایی‌زدایی در شعر و ادبیات ایجاد می‌کرد و با خروج از هنجار معمول تُرمی فراتر از معمول ارائه می‌داد؛ شاعر کویبسم یا شاعری که به تداخل هنر کولاژ در شعر روی می‌آورد، به تقدیم و تأخیر صحنه‌ها و صورت‌ها می‌پردازد. فرم را در هم می‌ریزد و همه چیز را در سلسله‌ای غیر منظم و ناهمگون در کنار هم می‌چیند. از این رو شعر و صحنه‌های کولاژی وی از گسست زمانی و روایی برخوردار است؛ یعنی شعر جنبه تصاعدی و تطوری ندارد و از یک واحد کوچک، به یک واحد بزرگتر و یا یک واحد بزرگتر به یک واحد کوچکتر و همچنین از یک بی‌نظمی به یک سامان و نظم مشخص حرکت نمی‌کند. برای فهم بهتر این مفاهیم به گزینش و تحلیل نمونه‌هایی از دیوان مورد بحث می‌پردازیم:

«فراشة رتتي

لسطرين من السنونو

هالتي

كلّ ما كتبتُ

بلا صخب

أغادر صوري و أفصا صي

ببقايا من خمرك القاني

أحذر الضوء المريض

أحمد الأرق

لكن العصفير

بألحان ملحة توقظني.» (علیوان، ۲۰۱۱: ۱۰)

ترجمه: «پروانه ریه من، برای دو سطر از پرستو، هان من همه آن چیزی است که نوشتم، بدون غوغا، عکس‌ها و قفس‌هایم را ترک می‌کنم، با باقیمانده‌های شراب سرخت، از پرتو کم سو پرهیز می‌کنم، بی‌خوابیم را فرو می‌نشانم؛ اما گنجشک‌ها، با نغمه‌های پیاپی، مرا بیدار می‌کنند.»

مفاهیمی که پیش از این نمونه ترسیم کردیم، در این نمونه کاریست فراوانی یافته است. در این نمونه، انفصال میان اجزای تصویر موج می‌زند و شاعر با استفاده از آن، می‌کوشد تا مخاطب تصویر شعری‌اش را ببیند. انفصال هم از جهت معنایی است و هم از جهت سازه‌ای. شاعر از پروانه ریه سخن می‌گوید. بعد دو سطر از پرستو، و سپس از نوشته‌هایش و قفسی که ترک می‌گوید. گرچه میان عناصر اصلی شعر هماهنگی است؛ یعنی پروانه و پرستو و قفس و پرندگان؛ اما نحوه توصیف آنها هماهنگ و در توازی با هم قرار ندارد. چینش صحنه‌ها به گونه‌ای است که شاعر می‌توانست چیدمانی دقیق‌تر و منطقی‌تر از آن ارائه دهد. نظم منطقی و گسست تقویمی، به مثابه عقربه ساعت بر گفتمان شعر غالب نیست و تنها الهامات تودرتو و جسته و گریخته شاعری را می‌بینیم که هر جا احساس کند، پلانی از سوژه ارائه می‌دهد. آنچه لازم بود در آغاز بیاید در پایان و آنچه که می‌بایست در پایان بیاید در آغاز

آمده است و این همان مقولهٔ تقدیم و تأخیر در شعر کولاژ است که در عین ارتباط مقوله‌های شعر کولاژ با یکدیگر در این نمونه به طور بارز مشاهده می‌شود. برای مثال، مفهوم "یوقظنی العصافیر" می‌توانست قبل از مفهوم "أغادر" بیاید؛ یعنی شاعر بگوید پرندگان مرا بیدار می‌کنند و من نیز ترک می‌گویم. در واقع، در شعر ترک کردن بر بیدار مقدم شده است. با این تقدیم و تأخیرها، ارتباط میان اجزای شعر سخت و بنیان شعر لرزان و سست است هرچند از نگاه کولاژی و پسامدرنیسی، شعری پسندیده با ساختی هنری و جذاب است. شعر کولاژ در پی عبور از جزئیات به کلیات یا از کلیات به جزئیات، به عبارتی دیگر، دنبال عبوری که رنگ‌تطور و تکامل بدهند، نیست بلکه با کنار هم نهادن اجزا در پی ساخت واحد متمایز و متفاوت است. همچنین در نمونهٔ زیر تقدیم و تأخیرها در گزینش ارکان وصفی و عدم تکامل و تطور در توصیف و تصویرپردازی مشاهده می‌شود:

«فی مدینتنا

فی البلد البعید

کلّ آیامنا أیلول

والغیث والغسق کلماتی

فی محاولة لوصف کلمات شعرک» (همان: ۱۹)

ترجمه: در شهر ما، در ناحیهٔ دور، همه روزهای ما ایلول است، و باران و تاریکی، کلمات من در تلاش برای توصیف کلمات شعر توست.

در این شعر «فی البلد البعید» می‌توانست با عبارت قبلی «فی مدینتنا» جابه‌جا شود، همچنین، تعبیر «کل آیامنا أیلول» می‌توانست در هر جای شعر قرار گیرد. تعبیر پایانی نیز می‌توانست جلوتر از تعبیر قبلی بیاید. چنین کارکردی در شعر که یک ساختمان تشکیل شده و قابلیت تفکیک و تغییر ندارد؛ آن را به مثابهٔ سازه‌ای در حال نوسان و متحول، مانند کرده است که کلمات آن قابل جابه‌جایی و گسست هستند و جای عبارت‌ها مقدم و مؤخر شده است. شاعر از یک نشانهٔ زمانی بهره گرفته است، و آن عبارت «کل آیامنا أیلول» است؛ اما عبارتی که بخواهد این نشانهٔ زمانی را تکمیل کند و بدان تمامیت ببخشد و حلقهٔ مفقودهٔ زمان را به سمت و سویی مشخص بکشد، وجود ندارد. از این رو، این طرح زمانی شاعر به جای رفتن به سمت تطور و تکامل، در نطفه خفه شده و به گسست انجامیده است. شاعر در پایان می‌توانست به نوعی جای نهاد و گزاره یا مبتدا و خبر را عوض کند، وی به جای اینکه بگوید در توصیف شعر تو، باران و تاریکی، کلمات من هستند؛ گفته است باران و تاریکی کلمات من در وصف شعر تو هستند. نکتهٔ مورد تحلیل توانش تقدیم و تأخیرها و امکان چنین ظرفیتی در شعر است و گرنه تعبیر شاعر بنابر ذوق و هنر شاعری پسندیده و درست است. آنچه در اینجا مطمح نظر است، قابلیت تغییر و تقدیم و گسست در شعر است. این نمونه، تعبیری خارج از فرم و آشنایی‌زدایی در شعر

کولاژگونه سوزان علیوان است. در این هنر و رویکرد «وارد کردن اذهان ناآشنا به دنیای ساده ساخت فرم‌هاست. سوژه نقاشی منطقی همان نفس نقاشی است.» (لی‌ماری و دیگران، ۱۳۵۴: ۴۸). در مجموع شعر از تکامل و تطور هنری بی‌بهره است برخلاف نمونه زیر که در آن از تقدیم و تأخیر خبری نیست و شعر با نظمی تکاملی و تطوری همراه است:

«بمطارقة المتلاحقة على عظامي

أنحني حتى أصبح حاضي

و حين أرفع رقبتني قليلاً

لأنفقد الفراغ وما فاتني

أجد الهلال الذي تركته يتكون

منشقة متكاملة» (همان: ۱۲)

ترجمه: با رهنورد پیاپی استخوانهایم، خم می‌شوم تا در آغوشم جای گیرد، و هنگامی که گردنم را اندکی بالا می‌برم، تا آسایشم را جستجو کنم و آنچه از دست داده‌ام، هلالی را که رها کرده‌ام به سپیده دمی کامل تبدیل می‌شود.

چنانکه دیده می‌شود، در این نمونه یک نظم تصاعدی و منطقی برقرار است و شعر از یک قانون زمانی و تدریجی پیروی کرده است تا اینکه به مرحله تکامل و تطور رسیده است و خود واژگان «یتکون منشقة متكاملة» این تکامل و تطور را نشان می‌دهد حال آنکه برخلاف مفاهیم پیش گفته و نمونه‌های سابق، تقدیم و تأخیر و قوت جابه‌جایی در میان اجزای این شعر به سهولت ممکن نیست. از این رو در مؤلفه گسست زمانی و تقدیم و تأخیرها تناوب و نوسان بودن متغیرها مورد نظر است، حال آنکه، شعر غیر کولاژی بر نظم منطقی و هارمونی صنعت‌مند تکیه دارد.

### نتیجه‌گیری

بعد از بررسی قالب کولاژ در شعر سوزان علیوان نتایج زیر به دست آمد:

تصاویر کولاژگونه شعری علیوان، نشان دهنده واقعیت ذاتی اشیاء است، نه واقعیت تغییر یافته و استحاله شده، زندگی آنگونه که هست به نمایش گذاشته می‌شود، بی‌نظم و پریشان با حدود و اندازه طبیعی و بکر خود، بدون هیچ تصنع و دخالتی. از این رو شیء را به گونه‌ای تحریف نشده و واقعی به تصویر می‌کشد. تصویری زنده؛ اما نه فریبنده و دروغین، بلکه تصویر واقعی و راستین از آنچه در بیرون رخ داده است. مفاهیمی؛ نظیر شکستن خط روایت و ترسیم آشفتگی و گسست نظم روایی و جابه‌جایی‌ها و تغییرات و تقدیم و تأخیرها و تقابلات و پارادوکس‌ها که در شعر سوزان علیوان به وفور ظهور یافته است.

علیوان در بسیاری از قطعه‌های شعری مجموعه رشق الغزال، از نظر حجم و ساختار، کولاژگونه عمل کرده است. شعر او از حیث حجم؛ همچون قالب هایکو در شعر و کولاژ در نقاشی فشرده و

مختصر است و از منظر ساختار از تکه‌های متعدد و در عین حال متضاد و گوناگون تشکیل شده است. از این رو اجزای شعری اشعار علیوان از وحدت تصویری فنی برخوردار نیست و مانند کولاژ، نظمی درونی و ساختاری ناآشنا و نامأنوس دارد. شاعر در هر بند و عبارت از شعر خود؛ تعبیر، رنگ، معنا و مفهومی خاص دارد که با عبارت‌های پس و پیش آن متفاوت است و از پایان نگاره‌ای هنری و رمزآلود و کولاژگونه از هستی ارائه می‌دهد.

علیوان در ترسیم آشفتگی‌ها به صورت فنی با مهارت زیادی عمل نموده است. فرم شعر وی، ساختمانی از سازه‌های غیر متجانس و ناهمگون است که پیدا کردن ارتباط میان آنها دشوار است. علیوان با این شیوه سعی دارد، درک جدیدی از واقعیت ارائه دهد که با آنچه دیگران درک کرده و به تصویر کشیده‌اند؛ متفاوت باشد. او کولاژ را سودمندترین شیوه برای چنین فرایندی دانسته است که ضمن القای ایده‌های شاعر، منطبق بر جدیدترین دستاوردهای شعری معاصر است. شاعر با نشان دادن صحنه‌ای عظیم در لوحی فشرده و کوچک، آن را با زوایای محدود و با ملاحظه حفظ تمامیت شیء، با استفاده از دوربین سه‌بعدی و حرکت به تصویر کشیده است.

جابه‌جایی‌ها و تغییرات، میان عناصر شعر با عناصر نگاره‌های شعری علیوان از تکنیک‌های بارز شعر وی به شمار می‌رود. همچنین پارادوکس‌ها و تقابل ساختاری و معنایی و گسست روایت و زمان از دیگر ویژگی‌های شعری وی به شمار می‌رود که شاعر در همه حال تلاش دارد به بازنمایی چالش برانگیز واقعیت بپردازد و ساختاری تودرتو و متناقض از هستی ارائه دهد. شاعر همچنین زبان را به مثابه تصویری روی کاغذ به کار می‌گیرد و شعر وی از قابلیت بصری-نمایشی فوق العاده‌ای برخوردار است. به نحوی که گویی اجزایی از یک نقاشی را بر روی یک تابلو ترسیم می‌کند. توصیف جلوه‌های مادی و غیر معنوی بیشتر بازتاب دارد از این رو مادیت زبان و جلوه بصری شعر بیش از جنبه معنی و معناگرا و استعاره‌ی زبان جلوه پیدا می‌کند و از تمهیدات شعر کلاسیک و فنون کهن؛ همچون تشبیه و استعاره و کنایه و غیره به دور است.

### منابع فارسی و عربی

- البسیونی، محمود. (۱۹۶۹). نحن الأطفال؛ قاهره: درالمعارف.
- الجبالي، فاروق محمد وهبه. (۱۹۸۸). دور الخامة في العمل الفني؛ رسالة دكتوراه، كلية الفنون الجميلة، جامعة حلوان.
- حسینی، مهدی. (۱۳۶۷). «کلاژ و مکتب های نوین ادبی»؛ مجله هنر، ش ۱۵، صص ۱۴۴-۱۷۳.
- الحسینی، نبیل سید. (۱۹۸۴). أثر التوظيف الخامات في التعبير الفني؛ رسالة الماجستير، قاهره، دانشگاه حلوان.
- رید، هربرت. (۱۹۷۴). الفن والصناعة، أسس التصميم الصناعي؛ ترجمة فتح الباب عبدالحلیم و محمد یوسف، القاهرة: عالم الكتب.

- رؤیایی، یدالله. (۱۳۵۷). از سکوی سرخ (مسائل شعر)؛ تهران: مروارید.
- سالم، محمد عزیز نظمی. (۱۹۸۴). القیم الجمالیه؛ القاهرة: دارالمعارف.
- عبدالعزيز، مصطفى. (۱۹۷۳). بعض الخامات غیر التقليدية في التصوير؛ رسالة ماجستير، المعهد العالي للتربية الفنية، القاهرة: دانشگاه حلوان.
- عذاری، نائر عبدالمجید. (۲۰۱۳). أسلوب الكولاج في شعر سعدی يوسف؛ دیوان صلاة الوسطی نموذجاً، دانشگاه واسط، دانشکده تربیت.
- علیوان، سوزان. (۲۰۱۱). رشق الغزال؛ بیروت: طبعة شخصية.
- فاطمی، سیدحسین و داود عمارتی مقدم. (۱۳۸۹). «شعر حجم و کوبیسم، بازخوانی شعر حجم و کوبیسم بر اساس زیباشناختی کوبیسم»؛ فصلنامه علمی پژوهشی نقد ادبی؛ س ۳، ش ۹: صص ۲۹-۴۸.
- کوپر، دوگلاس (۱۳۶۶)، تاریخ کوبیسم، ترجمه: محسن کرامتی، تهران: نگاه.
- لی ماری، ژان و دیگران. (۱۳۵۴). از امپرسیونیسم تا هنر آبستره؛ ترجمه روئین پاکباز، چاپ سوم، تهران: رز.

#### منابع الکترونیک

- لحرش، نواره، (۲۰۰۶) الشاعرة اللبنانية "سوزان علیوان": الكتابة وسيلتنا إلى الخلاص وليست خلاصاً بحد ذاتها: <http://www.alnoor.se/article.asp?id=1324>
- موقع الخليج (۲۰۱۲)، الشاعرة سوزان علیوان: المكان يلقي بظلال كثيفة على روح الشاعر: <http://www.alkhaleej.ae/alkhaleej/page>



## دراسة تقنية الكولاج في شعر سوزان عليوان بناءً على ديوان "رشق الغزال"

على قهرماني، أستاذ مساعد في فرع اللغة العربية وآدابها جامعة الشهيد مدني بأذربيجان  
معصومه قهرمانپور، طالبة الدكتوراه في فرع اللغة العربية وآدابها جامعة الشهيد مدني بأذربيجان

### الملخص

في الفترة الحديثة من الشعر العربي المعاصر، يستخدم الشعراء بوعي وعن عمد تقنيات وأساليب مختصة بسائر الفنون كالسينما والرسم والموسيقى وإلخ في أشعارهم التي أنشدها على أساس تقنيات هذه الفنون وجمالياتها وأساليبها. إحدى هؤلاء الشعراء العرب الشهيرة التي تنتمي إلى تيار ما بعد الحداثة والتي وضعت شعرها على أساس مبادئ الشعر الجديد وأطرها هي الشاعرة اللبنانية المعاصرة "سوزان عليوان" التي يختلف شعرها عن قصائد سبقت لها وهي تمتاز من الشعراء العرب الحداثيين مثل السيّاب والبياتي ونازك الملائكة وإلخ. فاهتمت الشاعرة اللبنانية بأسلوب شعراء جيل التسعينات وتقنياتهم وأساليبهم ومن أهم هذه الأساليب تداخل عناصر سائر الفنون وتوظيفها خاصة الفنون الترسيمية مثل استعارة الكولاج في الشعر. هذه التقنية الفنية تدلّ على فوضى العالم واضطرابه، واستخدمت بواسطة الرسامين التكعيبيين معتمداً على المكونات والعناصر الكولاجية التي تعبّر عنها عبر ملصقات. وفقاً لهذا النهج، تخلق الشاعرة المعاصرة أشعاراً كولاجية؛ وهذه الدراسة تسعى إلى تحليلها ونقدها عبر المنهج الوصفي - التحليلي معتمدة على ديوان رشق الغزال لشاعرة سوزان عليوان؛ فتظهر النتائج التي وصل اليها أن سوزان عليوان استخدمت هذه التقنية بشكل واضح في أناشيدها، وأن أشعارها مكونة من صور ملصقة ومفكّكة حاوية على نقل ثيمات ومفاهيم متعددة كالفوضى والاضطراب والتعارض والتمزق وتتمتع بمقدرة تجسيدية عالية.

**كلمات مفتاحية:** الكولاج، رشق الغزال، سوزان عليوان، تداخل الشعر والفنون.